

۲۰۴۵۹۷۳

لطفعلی خان زند

حسین مسرور

www.ketab.ir



سرشناسه: مسرور، حسین، ۱۲۷۸ - ۱۳۳۲. عنوان و نام پدیدآور: لطفعلی خان زند / حسین مسرور. مشخصات نشر: تهران: بانوی دریا، ۱۳۹۸. مشخصات ظاهری: ۲۵۰ ص. شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۸-۱۹-۰. وضعیت فهرست نویسی: فیفا. یادداشت: کتاب حاضر توسط ناشران متفاوت در سالهای مختلف منتشر شده است. موضوع: زندیه - تاریخ ۵۲۹. داستان. موضوع: زندیه لطفعلیخان - تاریخ. مترجم. رده بندی کنگره: ۱۳۹۸ گ ۹ ج ۲۳۶/ DSR. رده بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱۵۰۹۲. شماره کتابشناسی: ۵۱۳۳۸۶۹

لطفعلی خان زند

حسین مسرور

نام: اندک ابرار بانوی دریا

براز: ۰۰ نسخه

نوبت چاپ: ۱ ۱۳۹۸

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۴۸-۱۹-۰

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان



آرشیو ملی ایران

تهران: خیابان جمهوری اسلامی، خیابان ابوریحان، کوچه نوساز، پلاک ۷

تلفن: ۶۶۴۷ ۹۸۵۶

پیشگفتار

ضمن مطالعه کتب تاریخی به نظر رسید سرنوشت لطفعلی خان زند آنطور که باید و شاید تشریح نگردیده زندگی او تا آن درجه مبهم و تاریک است که حتی عکس از نامبرده در دست نمی‌باشد لذا نگارنده بر آن شد این کتاب را به رشته تحریر درآورد.

این مجله رعه ردشت دو سرداری است که یکی در مردم‌داری و رثوفت و مهربانی در ردیف برجسته‌ترین پادشاهان بشمار می‌آید که بیشتر مورخین درباره او چنین اظهار نظر کرده‌اند که چنانچه در مقابل حریف زورمند خود توفیق می‌یافت ایران را به پایه‌ای آنچنان بس می‌رساند که قابل قیاس با دوره قاجار نبود دیگری در آدم‌کشی و خونخواری نظیر و هم‌بند نداشت و برای استقرار حکومت در خاندان خود انواع شکنجه‌های سخت و عقوبت‌های دردناک را درباره مردم اعمال می‌کرد و از جمع سرهای بریده مناره‌هایی می‌ساخت و از کندن چشم‌ها حوض‌ها تشکیل می‌داد با این وجود عده‌ای از مورخین آن خاندان را با این همه ستمگری و خطا و خونریزی نظامی بزرگ می‌دانند و بر این عقیده‌اند که روزگار هرج و مرج آنروز به چنین مردی قسی‌القلب احتیاج داشت در این کتاب اغاز مطلب با خصوصیات خاندان زند و قاجار شروع شده صحنه‌های جنگ دو طایفه تا سرحد امکان به طور خلاصه و از هم تفکیک درج گردیده و ضمناً صدماتی که جامعه ایرانی بر اثر تجاوز و اعمال خلاف انسانی سربازان تحمل کرد در این مجموعه به اختصار ذکر شده است چنانچه در طی تاریخ مشاهده می‌شود بعضی از فرماندهان جهت اجرای فرامین خود به سربازان و عمل زبردست خود اجازه هرگونه تجاوز و تعدی را داده‌اند و آثار و نتایج حاصله از این اجازه حتی پس از انقراض همان

فرماندهان نیز نمودار بوده است. سرزمینی که ما در آن زندگی می‌کنیم از همان ابتداء گاهگاهی مرکز تاخت و تاز اقوام وحشی بوده غالباً دستخوش زورگوئی و قتل و غارت گردیده روزگار پر آشوب فراوان داشته است منتهی در بعضی از ادوار تاریخ این تاخت و تازها و انقلابات مصادف با ظهور مردانی توانا و بلند همت چون نادر بوده که مدت زمانی کوتاه خرابیها و نابسمانی‌ها جای خود را به پیشرفت و ترقی و سربلندی داده است و گاهی این دگرگونی‌ها باعث انحطاط کشور و رسیدن به پرتگاه سقوط بوده است چنانچه در زمان پادشاهان قاجار در حدود یک سوم خاک ایران از دست رفت و دشمنان این آب و خاک هر وقت ضعف و ناتوانی حکمرانان را احساس کردند چنان موقعیتی را مغتنم شمرده و قسمتی از مملکت را مجزا ساختند تا جائی که ایران را به دو منطقه نفوذ خود تقسیم کردند اما در مدت پنجاه سالی که خاندان زند بر ایران حکومت کردند به استثناء سال‌های آخر که مصادف با قتل عام آقامحمدخان بود دوران آسایش و رفاه مردم بوده است کریم‌خان بنیان‌گذار این سلسله از افراد پائین ایران از قبایل بسیار کوچکی است که تنها تبع‌و کاردانی و شجاعت او سبب غلبه او بر دشمنان این سرزمین گردید این سردار بزرگ با اغماض و خطاها و خوش رفتاری‌ها کینه جویان خود سر را با سر مهر و محبت آورد از طرف دیگر همین مدارای با سرکشان و بوجود نیاروردن مشکلات، نظم عواقب وخیم و تألمات ناگوار برای بازماندگانش به بار آورد خلاصه وضع ایشان بعد از کریم‌خانم درس عبرتی است برای برکنار ماندن آشوب و بلوا و جلوگیری از نام‌گسیختگی اشخاص خودسر و پرهیز از بوجود آوردن یک فاجعه دردناک که ضرر از منتهی به فرد فرد مردم شد.

به هر حال قرن دوازدهم هجری را می‌توان دوران هجوم ایلات به شهرها و هرج و مرج و اغتشاش دانست زیرا هر صاحب نفوذی که کوچکترین توانائی در خود می‌دید برای بدست آوردن تاج و تخت دست خود را به خون نزدیکان خود آلوده می‌کرد و چنین دورانی مصادف است با آغاز سلطنت پر آشوب شاهزاده لطفعلی‌خان زند که او را مواجه با طغیان و یورش و قتل و غارت‌های خوانین قاجار ساخت.

بوجود آمدن چنین وضعی در درجه اول معلول اختلافات خانمانسوز سران زند است که متأسفانه مردی توانا و با تجربه و بی غرض در میان آنها نبود تا از این نفاق‌ها و برادرکشی‌ها که منجر به خاتمه وضع آنها گشت جلوگیری کند این وضع تا آنجا ادامه پیدا کرد که پس از اینکه عده‌ای از جوانان زند در پیش چشم‌های شرربار خان قاجار به هلاکت رسیده عده‌ای دیگر از ترس مجازات‌های وحشتناکی که در انتظارشان بود از این شهر به آن شهر و از این کشور به آن کشور سرگردان شدند و تنها سردار سرسخت لطفعلی خان در مقابل هجوم خوانین قاجار باقی ماند این جوان در طی دوران زور و خوردهای خود حوادثی مخوف و پستی و بلندی‌های هراسناک را که هر لحظه ممکن بود به مرگش خاتمه پذیرد پشت سر گذاشت و با اراده‌ای قوی مافوق تصور و شجاعتی بی نظیر نتیجه حمله و یورش دشمنان را برای مدتی طولانی به تعویق انداخت و در میدان‌های نبرد چون طوفانی خروشان به قلب سپاه دشمن زد و دلاورانه جنگ و دو بانی از سپاه را از هم گسیخت و همچنان جان بر کف نهاده در میان انبوه دشمنان به یشتاز مرگ شتافت و از آنچه سرنوشت و تقدیر برایش تعیین کرده بود نهراسید.

این جوتن در بسیاری از خصائص سربازی و صفات نیکو با رقیبان خود فرق کلی داشت برتری او از لحاظ شجاعت و کاردانی بر هیچکس پوشیده نیست تنها نقطه ضعف او نداشتن تجربه و نداشتن شخص معمر و دل‌وز بود چه شاهان بعد از او در هر گرفتاری و بحرانی از حمایت مردانی بزرگ نظیر قائم مقام و امیرکبیر برخوردار بودند ولی حاج ابراهیم خان کلانتر شیراز که تا اندازه‌ای با تکیه بر صاحب نفوذ آن عصر بود این جوان را نه فقط تنها گذاشت بلکه در عالم دوستی به درهم کوبیدن اساس استقلال سلطنت او مشغول گشت و به دشمنان او پیوست و در آن روزگار سیاه با چنین خیانتی ستاره درخشان خاندان زند را در وحشت و تاریکی فرو برد علت مخالفت این شخص چنانچه به تفضیل خواهد آمد متکی بر یک امر بیهوده و واهی و در عین حال جزئی بود بهانه او چنین است که چرا قاتلان پدر خود را که من وساطت عفو آنان را کرده بودم به قتل رساندی سرانجام این خیانت به آنجا خاتمه

یافت که جوان زند مقطوع النسل شدن فرزند خردسالش را بدست دشمن شنید و سربازانی که برای تجاوز آماده کرده بودند تماشا کرد و آن لحظه‌ای که دو انگشت خونخوار قاجار برای نابینائی او به جلو صورتش نزدیک می‌شد نظاره کرد و منظوره صورت غرقه به خون خود را احساس نمود اما دیگر نتوانست آن خون را ببیند و تأسف او از آن جهت بود که در دم آخر نتوانست حتی مأمور قتل خود را بشناسد و بر چهره او نظاره کند این کتاب زندگی شجاعانه و تأسف بار رادمردی است که با عزت و مریبلندی و ندادن تن به ذلت و خواری در عنفوان جوانی یعنی بیست سالگی با انبوه بی‌پایان دشمن پرداخت و با کسب افتخاری بزرگ با جامه‌ای گلگون و صورتی خرقه‌بخون به اسارت درآمد و پس از تحمل ناراحتی‌ها و چشیدن جور و ستم‌های بیش از حد به شهادت رسید.

چگونگی جنگ‌های دلاورانه این سردار جوان که با دوهزار سپاهی در آن عصر به جنگ بیش از بیست هزار نفر دشمن رفت شاهد زنده‌ایست بر نبوغ نظامی او و از عجایب نیروی نظامی و تحمل بردباری اطفعلی خان اینکه پس از هر پیروزی یا شکستی مجدداً مصمم‌تر پای به میدان می‌گذاشت و با عزمی راسخ و اراده‌ای آهنین پای به رکاب می‌کرد و تا آخرین لحظه توانائی اش می‌جنگید منظره فجیع قتل او بدست بی‌رحم‌ترین اشخاص نه تنها در قلب عظیم مردم آن زمان تأثیری عمیق و دلخراش داشت بلکه بی‌گمان در حال حاضر هم با خردندانین سرگذشت ممکن نیست شخص هر قدر هم بی‌احساس باشد از درجه از جایگاهش بگذری و سرنوشت رفت باری که در سرتاسر دوران پرتلاش زندگی او به چشم می‌خورد دچار اندوه و ناراحتی نگردد.